

نقد نگارشی یک رأی

محمد رضا خسروی - دادیار دیوان عالی کشور

بازها یادآوری کرده‌ایم که رأی دادگاه فارغ از اطلاعاتی که در بخش گردش کار ارائه می‌شود، باید به نحو کامل نماینده کل محتویات پرونده باشد، اما هنوز هم دیده می‌شود که همکاران ما پروای این دقیقه را ندارند و به گونه بی‌رأی خود را می‌نگارند که انگار خواننده رأی نیز همراه با آنها، پرونده را از آغاز تا انجام خوانده است، اکنون و پیش از هر چیز به رأی که از دادگاه عمومی تهران صادر شده است نگاه کنید تا آن‌گاه نکته‌های دیگری را یادآوری کنم.

رأی دادگاه

«در خصوص دادخواست خواهان بطرفیت خوانده بخواسته مطالبه وجه به مبلغ دو میلیون ریال از بابت خسارت وارده ناشی از نفوذ آب ملک خوانده به ملک خواهان، خواهان جهت اثبات ادعایش به تأمین دلیل با جلب نظر کارشناس مورخ ۱۷/۲/۸۲ منضم در دادخواست استناد جسته و خوانده علی‌رغم ابلاغ قانونی وقت رسیدگی حضور نیافته و لایحه دفاعیه به خواسته مستند خواهان ارسال ننموده است لذا دادگاه باتوجه به مراتب فوق دعوی خواهان را محمول بر صحت تشخیص و به استناد مواد ۲ و قانون مسئولیت مدنی و ماده ۱۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی حکم به محکومیت خوانده پرداخت دو میلیون ریال بابت اصل خواسته و برداشت سی و یک هزار ریال بابت هزینه دادرسی در حق خواهان صادر و اعلام مینماید. رأی صادره غیابی و ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در این شعبه می‌باشد.»

و حالا آن نکته‌ها:

۱- از نگاه نگارشی صرف و از نظر رعایت نکردن آیین پیوسته نویسی و گسسته نویسی این کلمه‌ها و ترکیبها نادرست می‌باشد؛ بطرفیت، بخواسته، علی‌رغم، بمراتب، باستناد، برداشت، مینماید که در تمام موارد گسسته نویسی توصیه شده است و در رأی پیوسته نوشته شده است.

۲- همچنین شیوه نوشتن این واژه‌ها و عبارتها نیز نادرست است:

خسارت وارده، ادعایش، منضم دادخواست، استناد جسته، حضور نیافته، ارسال ننموده است، دعوی. مسئولیت، آیین دادرسی، اعلام مینماید، رأی صادره، ظرف ۲۰ روز. یادآور می‌شود با نگاه به آنچه از پیش در مورد آیین کار گفته بودم شیوه درست ترکیبها و کلمه‌های بالا از این قرار است:

خسارت وارده، ادعای او، منضم به دادخواست، مورد استناد قرار داده است، حضور نیافته است، ارسال نکرده است، دعوای، مسئولیت، آیین دادرسی، اعلام می‌کند، رأی صادر شده، و ظرف بیست روز.

۳- همچنین این عبارتها از حوزه فصاحت و بلاغت دور می‌نمایند: مطالبه وجه به مبلغ دو میلیون ریال، که در بردارنده نوعی حشو می‌باشد می‌توان نوشت:

پرداخت دو میلیون ریال... و نیز نفوذ آب

در مورد خواهان گفتم

اطلاعاتی داده شود.

ج- خواسته خواهان یا شکایت شاکی به نحو روشن با، استفاده از متن دادخواست و متن شکوائیه و توضیحات بعدی آنان بیان شود.

د- دلایلی که خواهان به موجب آنها خود را ذی حق می‌داند یا شاکی به موجب آنها خود را مظلوم یا بزه دیده می‌شناسد به ترتیب و به روشنی قید شود و حتماً به صورت ۱-۲-۳ و ۴ احصاء شود.

ه- دفاع خواننده و پاسخ مشتکی عنه در قبال خواسته خواهان و شکایت شاکی به روشنی آورده شود. و- کارهایی که دادگاه یا صاحب منصب دادسرا در جهت کشف واقع انجام داده‌اند از قبیل ملاحظه پرونده‌های مستند، ارجاع امر به کارشناس، مواجهه، رسیدگی به اصالت سند، معاینه محل، تحقیق محلی و هرکار دیگری که کرده‌اند ایضاً به طور شمارشی در متن رأی یا قرار بیاورند.

ز- تصمیم یا رأی یا قرار مرجع دادرسی را مستند به مواد قانونی به روشنی بنگارند و حکم خود را در پذیرش یا رد دادخواهی اعلام دارند.

ح- اطلاعات جامعی در مورد غیابی بودن یا حضوری بودن به خواننده رأی داده شود و نیز برای مرحله بعدی دادرسی و مهلتی که در اختیار طرف قرار داده می‌شود به حکم قانون آگاهیهای شایسته داده شود.

ط- نام و نشان مرجع دادرسی و نام و نام خانوادگی و سمت صادرکننده رأی نیز در پایان نگاشته شود تا ابهامی از این بابت در میان نباشد.

با در نظر گرفتن همه این نکته‌هاست که می‌توان امیدوار بود رأی که صادر می‌شود خالی از ابهام و عاری از اجمال و بدور از کاستی است.

ملک خواننده به

ملک خواهان، فصاحت ندارد

چراکه ملک اشخاص آب ندارد آنچه سرایت می‌کند جریان آب از طریق خانه یا باغ یا لوله است به ملک دیگری یا می‌توان نوشت: نفوذ آب از ملک خواهان. عبارت «نظر کارشناس مورخ ۱۷/۲/۸۲ درست نیست، بهتر بود می‌نوشت: «صورت جلسه تأمین دلیل که در آن نظر کارشناس جلب شده است». عبارت «لایحه دفاعیه به خواسته و مستند خواهان ارسال ننموده است»، دارای نارسایی آشکاری است و باید نوشته می‌شد «لایحه‌یی در برابر خواسته و دلایل خواهان...»

۴- اما ایراد اصلی کار در رأی مورد بحث جز اینهاست چرا که رأی به تنهایی هیچ نوع شناختی را از خواهان و خوانده به دست نمی‌دهد و خواننده نمی‌داند مدعی کیست و مدعی علیه چه کسی است، یعنی که بسنده کردن به الفاظ خواهان و خوانده را بدون ارائه هویت کامل اطراف اختلاف، نمی‌توان پذیرفت.

س و رسانجام ضمن تمام سفارشی‌هایی که در نگارش فنی یک رأی شده است و من به تدریج آنها را از قبال همین بخشها وانموده‌ام به همکاران ارجمند خود سفارش می‌کنم که در نگارش قرارها و حکمهای قضایی به این چند نکته نیز حتماً توجه فرمایید:

الف- در حکم دادگاه و در قرار قاضی باید خواهان یا شاکی به طور کامل معرفی شود و معرفی کامل یعنی این که او را به نام، نام خانوادگی، نام پدر، شغل و نشانی بشناسانیم.

ب- نیز از خواننده و مشتکی عنه به همان ترتیبی که